(اداره ترقی در طهران)
(مدیر ونگارنده میرزا محمد علی خان)
وجه اشتراك بعد از سه ماه مطالبه و دریافت خواهد شد
قیمت اعلانات سطری ده شاهی ودرصورت تکرار تخفیف داده خواهدشد
هرهفته دو نسخه طبع و توزیع خواهد شد

جهان نمای ملّی

ترقی

۱۳۲۵

قیمت یك نمره صد دینا ر است

(قیمت اشتراك سالیانه)

دارالخلافه طهران ۱۲ قران
سایر ولایات داخله ۱۵ قران
[illegible]
[illegible]
[illegible]
اجرت [illegible]

دوشنبه ۲۴ شهر صفر المظفر ۱۳۲۵
جریده‌ایست سیاسی علمی ادبی درماه هشت نسخه طبع وتوزیع می‌شود

رفتار به اقتضای زمان

وضع بیداری و حس نوع ایرانیان استبداد را پایمال نموده تمام اهل عالم در سایه عدالت باعلی درجه شرف وسر فرازی و راحت وامنیت عمومی نایل شدند نمانده در روی کره ارض سلطنتی که باسم استقلال خانمان سوز خود و رعیت خود نباشد مگر معدودی که امروز جز انکه انگشت شمارند انگشت نمای عالمیان هم هستند و خودشان هم از عدم اطمینان از سلطنت خود گذشته از جان خود هم امنیت ندارند [illegible] روی یاصاحبدلانست میاید در مقام ندبه واتا به [illegible] ای سلاطین مستقل روی زمین از خدا بترسید و بیش از این خون و جان ومال وعرض و آبروی بندگان خدارا هدر نداده تلف نسازید مردم ازخواب بیدار و چشمها از هم باز شده . . .

روشنی مدنیت بمثابه عالم را فرا گرفته مانند سیلی که از کوهسار سرازیر میشود و اگر نقطه باقی مانده باشد که هنوز ظلمت جهل محوطه آن را روشن نکرده باشد عماً قریب است که روشنی آفتاب عالمگیر مدنیت به بیغولها هم پرتو خواهد افکند و چنانکه طلوع نیر اعظم صفحهٔ خاکرا منور میدارد و پرتو آفتاب بخشك وتر و شجر ومدر و خراب وآباد و خوب وبد ودایر وبایر می تابد همین طور مقتضیات زمان بیغولهای وحشیان را بقسط و عدل وداد باد خواهد نمود خوشا بحال سلطان عادله ذیشعور و ملك باذل خسرو کامکار ایرانیان اعنی (السلطان محمدعلی‌شاه) اللهم انصره وانصر عساکره که خود را مظهر لطف حق و سایه بر حق قرار دهد — مثل اعلیحضرت (میکادو) پادشاه ژاپون خود را آسوده و رعیت خود راکه بندگان خدا و و دایع حضرت اله هستند راحت نمود سلاطین مستقله نه خود را از خیالات راحت و نه مردم را آسوده گذارده کدام سلطان مستقله ایست که شب در بستر راحت خود غنوده و ازهر سیاه وسفیدی متوحش نباشد که آن سلطان مستقل است که از جان خود ایمن باشد وبصدای صفیر سوسکی هراسان از جای خود نجهند درهر سلطنت مستقلی جمعی ازرجال مستبد بجهة پیشرفت مقاصد و جلب فوائد خودشان مانع از عدل و دادو سلطانند واتصالاً بخلق تعدی مینمایند و دستها ازسلطان بدرگاه خدا بلنداست امروز هریك ازسلاطین عدل وداد که در مملکت خود قانون عدل ومساوات [illegible] داشته اند اغلب خود به تنهائی یابا خانواده سلطنت [illegible] باکمال اطمینان قلب همه جا رفت و آمد مینمایند [illegible] رعایای خود که عبور ومرور میکنند رعایا ایشان [illegible] پدر مهربان خود میدانند اندك ملاحظهٔ کافی است [illegible] المان و انگلیس وغیره وغیره و این آخرین ژاپون [illegible] وضع دولت و سلطنت خود چه ضرری برده اندو مستبدین چه فایده حاصل کرده اند

زنده باد شاه ایران وپاینده باد حریت مسلمانان

(بقیه دارد)

فبعزتك لاغوینهم اجمعین

شورش انگیزان دایرهٔ فتنه وفساد وستمگران داعیهٔ بغی وعناد و خوشه چینان خ . . ظلم و استبداد و ما حیان کلمه عدل [illegible] طرف
مسدو
راکه
که
فریه
نما
او
بش
از
مد

شده و مدعی بر این بودند که تا کنون دولت ایران مستقله بوده وحکام ولایات با استبداد مطلق یفعل ما یشاء ویحکم ما یرید بهرجا بحکومت میرفتند علی قدر مراتبهم دوهزار و پنجهزار و ده هزار نوکر بهمراهی میبردند وهمینکه وارد محل حکمرانی میشدند حاکم از یکطرف و نوکر ازیکطرف و هیئت صاحب را میچاپیدند ولی حالا ترتیبات تغییر نمود ما حکام با مواجب معین بولایات واقعه میرویم یکنفر با پنج ویاده نفر نوکر زیاده بهمراه نمی برند وما جمعی هستیم بیکاره کار میخواهیم و مواجب ادعای ثانوی آنها بر این بوده که از طبقهٔ نوکر نیز یك وکیل انتخاب نمایند ومانند سایر اصناف دردارالشورای ملی حضور داشته باشد — واما این دو ادعا یکی حق است ودیگری خبط وبیمعنی واسباب افتضاح — ازحیث بیکاری به یك اندازه حق میگویند زیرا علی قدر مراتبهم اهل و عیال ومخارج دارند لابد اعضای محترم مبعوثان قیام بر معمول چارهٔ این درد بیدرمان خواهند نمود و این مسئله از بدیهیات است — گر حکم شود که مست گیرند در شهر هر آنچه هست گیرند اگر بخواهیم بی کاره را از بیکاره فرق بدهیم بفضل الهی و همت اولیای دولت ازباب تمام خرابیها بی کاره هستیم — واما ازحیث استدعای اینکه درمجلس شوری وکیل داشته باشند این مطلب خبط است وادعای بیجا زیرا درتمام ممالك روی زمین شنیده نشده که از طبقهٔ پیشخدمت و آبدار درمجلس پارلامنت دولتی وکیل داشته باشند امیدواریم تدبیری برای بیکارها بشود هم افتضاح دولت وملت کمتر وهم تیر مغرضین بهدف اجابت نرسد

*** یافتن قانون ***

قوانین دولتی را بحمدالله عقلای دولت علیهٔ ایران خوب فهمیده‌اند — ممکن نیست مگر بوضـ...

کنیم خواهیم دانست کههرسطری ازقوانین برای هر دولتی اقلا چندکرور تومان تمامشده است باوصف این عقلای مامی‌نشینند ودرآن واحد بهترین قوانین فرنگرا باکمال تسلط ردمیکنند غریب‌تر ازهمه این‌است که میخواهند درهمان مجلس درمقابل قوانین فرنگ قانون وضع نمایند . . . متصل میگویند اروپائیان نظم‌راازآسمان نیاورده‌اند هزاردرجه شعورما ازآنها بیشتراست ماهم اگرامر دایربشود میتوانیم نظم بگذاریم اما . . . ما توقع داریم ازآن عقلای محترم که این ادعائی راکه دارند قدری ازآن راصرف تلگراف وتصویرعکس نمایند وبعدازده‌سال بدون امداد فرنگیان بمن بگویند کهاین دواختراع مبنی برچه اصول است نه اگر قدرت میداشتم آن‌اشخاصی که خودرا زیاد باشعور میدانند دریك عمارت جمع میکردم که باکمال فراغت فکر کنند وبعدازشش‌ماه معنی اسکناسرا بمن حالی نمایند انوقت معلوم می شدکه شعورطبیعی درجنب علم فرنگی چه‌پایه‌دارد یك خبط کلی ما نیزاین‌است که علوم مملکت‌داری‌را آسانترازادنی‌صنعت می‌شماریم مثلا بوزرا می گوئیم بیائید ازبرای دولت شمع کافوری بسازید همه می خندند ومی‌گویند مانمیتوانیم بعدمی‌گوئیم بیائید ایرانرا نظم بدهید فی‌الفور همه فریادمی‌زنند حاضریم . . . باری ازاظهارات این‌معانی نباید چنان استنباط کرد که مقصود نگارنده العیاذبالله تغییرشریعت اسلام‌است حاشا وکلا جمیع فقرات ضمانت جانی درشریعت مطهرهٔ اسلام بروجه اکمل ذکرشده‌است والان کاری که‌داریم این‌است که‌جمیع احکام که‌درباب ضمانت جانی که در احادیث و یا متفرق‌است بهمان طریقیکه دول فرنگ اینمطالب‌راترتیب داده وقرآن‌دولتی ساخته‌اند مانیزرسماً ترتیب‌داده‌بیان احکام‌شرعی‌را جمع‌آوری نموده مسمی‌بقوانین دولتی‌بنمائیم باری مقصود اصلی ماذکر اصول‌ضمانت جانی است واما این‌اصول بطوریکه باید وشاید اگرمقرر ومعمول نشود آسایش‌رعیت‌وترقی‌دولت‌ایران جزوآرزوی بیمعنی‌خواهد بود در باب ضمانت حقوق از شرایط این فصل انچه بگوئیم موجب کسالت خوانندگان وهم باعث تمسخر نگارنده میشود زیرا عقلای ملل این مطلب را بهزار زحمت در چندین سال یافته‌اند ولیکن یقین‌است که درایران بمحض اظهار این مطالب نخواهند فهمید وخواهند خندید که یعنی ماهمهٔ این معانی‌را بهترازهمه‌کس میدانیم وحال انکه در جمیع کتب ما یك کلمه ندیده‌ایم که دلالت برعلم حقوق

اداره نماید شعرای ما گاهی در این مطالب سخنان خوب و مرغوب گفته اند اما همهٔ آنها نصیحت بوده لیکن آن ترتیب علمی که برای انتظام یکدولت لازم‌است هرگز در ایران معروف نبوده است . . . بنابراین هرگاه وزرای ما بخواهند که ازپیش‌خود تصرفات نمایند بنده پیش‌از وقت ایشان را مطمئن میسازم که حکماً خبط خواهندکرد بی‌انکه در این باب علمی اختراعی نمائیم باید بلا تردید که روح آبادی درضمانت حقوق و استحکام این ضمانت ممکن نیست مگر بهمان قسمی که فرنگیان کرده‌اند . . . چنانچه هرشیئی از اشیاء هر وقتی‌از اوقات برحسب‌ایجاب اقتضائی دارد پنجاه‌سال قبل وچهل سال وسی‌سال وبیست سال قبل تاامروزهٔ ما تکالیف وزرا و امور دولت رنوع دیگری بوده ولی حالا رجال دولت هرگاه خواسته باشند راه ترقی خودرا خیلی نزدیك نمایند باید عوض دول فرنگ راهی به ژاپون پیدا کرده وسفیری بسیار عالم ودانا به ژاپون فرستاده و باب مراوده‌را بازکرده وبعضی روابط تجارت وغیره با دولت ژاپون بازکرده معلم زبان ومعلم نظامی وغیره وغیره از انجا اورده وجمیع قوانین آنهارا درایران اجرا کرده راه صدساله‌را دریکشب پیموده هیچ چارهٔ برای دردبیدوای ایران غیرازاین نیست وهرقدر زود تر شروع شود دیر شده‌است بخلاصه ماهرقدر از اعجاز تلگراف وچرخهای بخار ... وگراف وگرامافون وچراغ برق وغیره شرح دهیم دراختراعات‌جدید ژاپون جای حیرت وتمجید است شما بخود بملاحظه بفرمائید که این طایفهٔ باغیرت وحمیت سی‌سال قبل ازاین وحشی‌ترین ملل روی زمین بودند ودر مدت سی‌سال خودشان را درکشور ولشکر وتنظیمات و تعلیمات ازهمهٔ دول اروپا براً وبحراً برتری‌دادند وجنگ روس وژاپون درمدت بیست ماه گوشزد تمام دول گردید که دولت ژاپون اولین دولت روی زمین است بقیه‌دارد

(زنده باد پادشاه ایران پاینده باد حریت مسلمانان)

از تفضلات خداوندی واقبال بیزوال اعلیحضرت ظل اللهی عنقریب‌است کهآب رفته بجوی برمیگردد خون مردهٔ ایرانیان دراعضا وجوارح بجوش‌آمده انجمنهای اتحاد درهریك ازمحلات ونقاط دارالخلافه تاسیس و تشکیل وهرصنفی بقدر قوه‌ومقدور شرکتها برپاخواهند کرد که‌رفع مایحتاج خانه واهل خانه‌راازهمسایگان جنوب وشمال بنمایند چنانچه صنف کفاشها چند روز

است متفقاً قسم یاد نموده کهمهما امکن دررفع احتیاجات ولوازمات صنفی خود بکوشند ومقداری‌سر مایه برای این‌کارمهیا نموده اند که انشاءالله درنمرهٔ‌آتیه درج‌خواهدشد — آفرین‌برهمت ایرانیان

*** لزوم صبروتسلیم ***

چون ازگوشه وکنار شکوه وعدم دل خوشی بعضی از برادران عزیز وهموطنان محترم را ازترتیبات جدیده می‌شنوم برخود واجب دیدم که‌بمختصر فصلی وفع شکایت ازآنها نموده باب سعادت و امیدرا بایشان نشان بدهم بدینجهة‌عرض میکنم ترك عادت کاری‌است دشوار و کسی که‌عادی بفعلی باشد مأنوس شدنش بسعادت ضد ناگوار وبااشکال‌است پس‌مخالفت ومعاندت جمعی نسبت‌به دار الشوری مقدس ملی صانهاالله عن‌حوادث الایام از روی‌حکمت ودلیل‌است فرقهٔ‌مخالف کسانی هستند که تاحال امرمعیشتشان از دزدی ومال مردم خوری و کلاه برداری وپاپوش سازی می گذشته مسلم است چنین اشخاص را نمیتوان باین زودی‌براستی ودرستی وصحت عمل‌عادت داد این‌است که‌حتی‌الامکان درصدد تفتین و فساد هستند وگمان می کنند این اقدامات باعث پیشرفت خیالات‌خودشان است بیچاره چه بکندتقصیری ندارد اینطوربار آمده وحوادث روزگار اورا اینطور تربیت‌نموده بیچارهٔ بدبخت ازبدو طفولیت تمامش را ظلم وتعدی واجحاف وتکدی کردهٔ کمتر مظلوم‌واقع‌شده تابخوبی معنی‌ظلم‌را فهمیده باشد ماطایفهٔ‌ضعفا میدانیم ظلم چیست‌بواسطهٔ اینکه بسرمان آمده اماچون طرف عدل واقع نشده‌ایم فقط اسمی ازعدالت شنیده‌ایم لیکن آثار آن‌را هنوز رؤیت نکرده‌ایم این‌است که‌بالب تشنه در جستجوی‌چشمهٔ عدالت هستیم اماموانع وعوایق بحدی است که‌برشتهٔ تحریر نیاید.ازیکطرف شوره‌زارها واراضی باطلاقی‌وازطرف‌دیگر تخته‌سنگهادستهٔ‌باچوب‌وچماق وفرقه باتازیانه‌وشلاق سرراه‌را برماتنگ گرفته‌اندمکانی پرازخارو خس ماهم‌بجای اتفاق نه‌یارهستیم نه کس ولی‌شکرمی کنم که‌تفضلات الهیه وتوجهات حضرت‌حجة عجل‌الله تعالی فرجه شامل حال‌این‌یك مشت‌مردم بدبخت وفلکزده‌ایران است‌بهترین گواه بجهة‌اثبات این‌مدعا مراحم‌والطاف بیکران شاهنشاه‌رعیت‌پناه سایهٔ‌رحمت‌الهی مروج‌معرفت وآگاهی اعلیحضرت قدرقدرت سکندرحشمت محمدعلیشاه قاجار ارواح‌العالمین‌له‌الفدا میباشدوامیدواریم که‌ازتوجهات

بقیه در نمرهٔ آتیه

ملوکانه‌اش تخت سروری ایران کاکان مهد تربیت و تمدن عالمیان گشته دشمنان دور و نزدیک را از میان برداریم و بر موانع غلبه نمائیم آنگاه بسرچشمهٔ سعادت که زایل کننده ظلم و ظلمت است یعنی عدالت رسیده کامی چند از آن پرکلاب وقند اغنی امنیت و آسایش و داخل شدن از درب اتحاد وسازش پوشیده درراه حفظ شریعت مطهره و اجرای اوامر الهیه کوشیده پس راه فلاح را بپوئیم و گرد لاطائل نگردیم و سخنی باطل نگوئیم امضا
جعفر خادم ملت و دولت

﴿ بقیهٔ امر مالیه از نمرهٔ ۲ ﴾

ثانیاً بدستورالعمل اجمالی ذیل هم دخل هوائی را موقوف ورعیت را مرفه‌الحال وشاکر نمایند وهم اینکه منال دیوانی را از آفتهای خرج تراشی وحقوق مسروقه حفظ نموده مالیات را دو مقابل عاید خزانه فرمایند انچه بنظر میرسد فهرست دستورالعمل اجمالاً اینست که نظم هر محلی را بسه شعبه از ادارات واگذار نمایند

شعبهٔ اول ادارهٔ قشونی یکنفر صاحب منصب کافی عاقل به اسم ناظم با عدهٔ بقدر لزوم از سرباز وسوار مرتب و آراسته بمحل حکومت برود ومواجب وجیرهٔ کافی ماه بماه از ادارهٔ مرجوعه دریافت نموده مأمور بمطلب باشند

(۱) امنیت طرق وشوارع را درعهده بگیرد ومسئول اموال ونفوس مردم باشد

(۲) انجمن ملی هرمطلبی را رای بدهند واجرای آن را بخواهند سندی از انجمن گرفته بموقع اجرا رساند وبدون سند مستبدانه حرکت نماید

(۳) اوامر دولتی را که بتصویب مجلس شورای ملی طهران فرستاده می‌شود اجرا نماید

(شعبهٔ دویم) ادارهٔ دفتری است یعنی یکنفر مستوفی بادفتری محتوی براصل مالیات وتفاوت عمل وحقوق مردم بمحل حکومت باشد ومواجب معین از خزینهٔ دولت ویااز بانک بگیرد ومأمور باشد که اولا بروات مالیاتی را باقساط نوشته ببانک ملی بدهد وفهرست ممهور نوشته بجهة سند خرج خود بگیرد

(ثانیاً) ازارباب حقوق ورقهٔ معرفه بمهر انجمن ملی بگیرد باین مضمون که حامل ورقه فلان سن وشکل ریش دارد ندارد چه رنگ است گویه این علامت واشکال مخصوصه فلان وفلان است وپس ازگرفتن این ورقه قبض مواجب ومرسوم اورا حاشیه نوشته امضا کند وبدون ورقهٔ مذکوره اگر قبض کسی را امضا نمایند مسئول وزارت مالیه باشد

(ثالثاً) هرعرض سال هرجرح وتعدیلی بتوسط مهندسین و انجمن محلی در مالیات و حقوق ثبت شده صورت آن را بمهر انجمن محلی رسانیده بجهة ادارهٔ مرکزی وزارت مالیه بفرستند

(شعبهٔ سوم) بانک ملی است (اولا) مکلف است که مالیات را باقساط بتوسط گماشتگان خود ازمأمورین دیوان ویا از رعایا دریافت دارد و هرگاه اخذ مالیات از کسی موقوف بقوهٔ جبریه باشد به انجمن اطلاع بدهند که ناظم مزبور باسندی از انجمن مالیات را دریافت نموده به بانک بدهد

(وثانیاً) حقوق مردم را مثل مالیات تقسیط کرده هر قسطی را تایکماه برساند

(وثالثاً) مخارج فوق‌العاده که پیدا بشود ازقبیل بنائی و حرکت قشون وغیره دوسند از انجمن ملی بگیرد یکی تصدیق انکه خرج مذکور لازم بوده است یکی تصدیق براینکه چه مبلغ صرف او خرج شده است بخواه مباشر آنرا عمل بدهد واسناد انجمن را بخرج خود بیاورد والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

﴿ امر بمعروف ونهی ازمنکر ﴾

درسایهٔ عدالت واجرای اوامر شرع مقدس از روز سه‌شنبه هیجدهم شهر صفر المظفر مسجدیکه عقب مسجد شاه موسوم بمسجد است حکیم سبحان باشیدای شاعر موصوف بنشسته بشرب میل می فرمودند وازجرس وحدت حدیث خلوت وجلوت (ولا شکوه علی فقیر) نیز درمیان بودکه ناگاه مسلمانان غیرت اندیش که متصدی اجرای اوامر شرع مطاعند پی بمطلب برده وبر سبیل انهار بخانه دستگیرشان نمودند — حکیم سبحان چون شخصی است بحکمت مشهور وموصوف از راه حکمت برآمده فرار را برقرار اختیار فرمود (ولی حیف که نادرویشی کرد) وازطریقهٔ فقر تخلف ورزید وشیدای شاعر بچنگ اهل محل دوچار مردانه وار اورا بخدمت آقای آقا سید ریحان الله بردند روزچهار شنبه علی الصباح بحکم آقا مشارالیه را برهنه نموده هشتاد تازیانه بربدنش زدند ولی بسیار دردش آمد — افسوس افسوس که اجرای اوامر ونواهی وحدود شرعی فقط از برای فقرا است وبراغنیا معاف هرگاه مست غنی باشد ویا پول بدهد (شتر دیدی ندیدی است) وهرگاه فقیر باشد خدا بفریاد برسد میباید حد شرعی بخورد

﴿ رئیس مطبعهٔ شاهنشاهی عبدالله قاجار ﴾